

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بهشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۷ دی ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۴۴

جلسه: ۵۰

موضوع کلی: فصل فی الحيض

موضوع جزئی: تعریف حیض

سال تحصیلی: ۱۴۰۱-۱۴۰۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### فصل فی الحيض

«و هو دمٌ خَلَقَهُ اللهُ تَعَالَى فِي الرَّحِمِ لِمَصَالِحٍ وَ فِي الْغَالِبِ أَسْوَدُ أَوْ أَحْمَرُ غَلِيظٌ طَرِيٌّ حَارٌّ يَخْرُجُ بِقُوَّةٍ وَ حَرَقَةٌ كَمَا أَنَّ دَمَ الْاسْتِحَاضَةِ يَعْكُسُ ذَلِكَ...»<sup>۱</sup>.

### تعریف حیض

مرحوم سید (ره) در تعریف حیض فرموده است که حیض، خونی است که خداوند متعال به خاطر مصالحی آن را در رحم خلق کرده است - یکی از حکمت‌های خلقت خون حیض این است که خداوند آن خون را به خاطر ارتزاق جنین، در رحم محبوس کرده و نگه داشته است که جنین از طریق بند ناف از این خون ارتزاق می‌کند و رشد می‌کند و با قدرت خداوند از لحظه‌ای که بچه متولد می‌شود آن خون به شیر تبدیل می‌شود. معمولاً زن در ایام بارداری و شیردادن به بچه، حیض نمی‌شود مگر اینکه آن خون از مقدار تغذیه بچه بیشتر باشد که در این صورت، از فرج زن خارج می‌شود - و غالباً این خون، سیاه یا قرمز غلیظ، تازه و گرم است که با فشار خارج می‌شود و در بطن فرج زن حالت سوزش ایجاد می‌کند، کما اینکه خون استحاضه بر عکس خون حیض است [، یعنی سرد است و گرم نیست، زرد است و با فشار خارج نمی‌شود].

ظاهر تعریف مرحوم سید (ره) حاکی از این است که «حیض» اسم معنا نیست، بلکه اسم عین است و به تعبیر روشن‌تر از جوامد است و معنای حدیثی ندارد.

مرحوم آیت الله حکیم (ره) در مستمسک<sup>۲</sup> فرموده است که قید غالب که در کلام مرحوم سید (ره) آمده است به این خاطر است که در بعضی از موارد؛ یعنی موقعی که ایام عادت زن شروع می‌شود، ممکن است که صفاتی که برای خون حیض ذکر شده است، در خون حیض وجود نداشته باشد و ممکن است که خون حیض بعضی از خصوصیات مذکور را نداشته باشد، هرچند غالباً این گونه است که خصوصیات مذکور را دارد.

کلمه «أسود» که در کلام مرحوم سید (ره) به کار رفته است به معنای سیاهی که ذغال دارد، نیست، بلکه منظور این است که قرمزی خون حیض به قدری شدید است که انسان وقتی به آن نگاه می‌کند، تصور می‌کند که خون سیاه خارج می‌شود و گر نه حقیقتاً آن خون، سیاه نیست.

**سؤال:** آیا کلمه «حیض» از جوامد است که چیزی از آن مشتق نمی‌شود یا اینکه اسم معناست و معنای حدیثی دارد که مشتقاتی دارد؟

۱. سید محمد کاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲. سید محسن، طباطبایی حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۵۲.

**پاسخ:** بعضی از بزرگان به روایاتی استناد کرده‌اند و گفته‌اند که از این روایات برداشت می‌شود که کلمه «حیض» اسم عین و جامد است. به بعضی از لغویین نسبت داده شده است که حالت اشتقاقی برای کلمه «حیض» قائل‌اند و گفته‌اند که اشتقاقی مثل «حاضّت» و «تحیض» دلیل بر این است که کلمه «حیض» اسم معناست و معنای حدثی دارد.

البته مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که گاهی اوقات هرچند که کلمه‌ای اسم جامد و اسم عین است، لکن علی سبیل التأویل، اسم فاعل از آن می‌گیرند، مثل «لبن» که اسم عین و جامد است، اما کلمه «لبن» از آن گرفته می‌شود یا مثل «تمر» که اسم جامد است، اما کلمه «تامر» و «تمّار» نیز استعمال می‌شود و این با جامد بودن «لبن» و «تمر» منافاتی ندارد، کلمه «حیض» نیز این‌گونه است، یعنی جامد است، لکن علی سبیل التأویل، کلماتی از آن گرفته می‌شود که این توهّم را ایجاد می‌کند که کلمه «حیض» مشتق است و جامد نیست، در حالی که تصرف در اسم عین و اخذ اسم فاعل و امثال آن از اسم عین، علی سبیل تأویل است و این کار در لغت عرب مرسوم است و منافاتی با اسم عین بودن ندارد.

مرحوم آیت الله حکیم (ره) در مستمسک<sup>۱</sup>، فرموده است که جماعتی «حیض» را همانند مرحوم سید (ره) به صورت اسم عین و جامد معنا کرده‌اند و گفته‌اند: «هو دم...». برخی گفته‌اند که «حیض» در شرع نیز همانند لغت، اسم برای «دم» است، یعنی «حیض»، لغةً و شرعاً به معنای دمی با خصوصیات مشخص دانسته شده است. ایشان در ادامه فرموده است که ادعا شده است که ظاهر کلام جماعتی از اهل لغت، مثل صحاح، قاموس، مجمع البحرین و امثال آن همین معنا را مطرح کرده‌اند ولی در استظهار از اینها که معنای لغوی و شرعی «حیض» یک چیز باشد، تأمل وجود دارد چون در خود این کتاب‌ها با کلمه «حیض» معامله معنای حدثی شده است که قابل اشتقاق است و معامله معنای جامد و اسم عینی با آن نشده است. ایشان در ادامه فرموده است که وقتی به کلمات اصحاب لغت مراجعه می‌شود، در قاموس این گونه آمده است: «حاضّت المرأة تحيض... الى أن قال: سال دمها» که این عبارت با معنای حدثی «حیض» سازگار است و با معنای جامد بودن «حیض» سازگار نیست، همچنین در مجمع البحرین این گونه آمده است: «الحیض اجتماع الدم و به سُمّي الحوض لاجتماع الماء فيه»<sup>۲</sup>، یعنی حیض، خود دم نیست، بلکه اجتماع دم است و به همین خاطر حوض را حوض را نامیده‌اند چون آب در آن جمع می‌شود.

اگر «حیض» به معنای حدثی و اسم معنا گرفته شود، مقصود از آن، سیلان به معنای جاری شدن، است، مثل اینکه گفته می‌شود: «حاضّت المرأة إذا سال دمها»، یعنی زن حائض شد زمانی که خونس جریان پیدا کرد.

**سؤال:** از بین دو معنای مذکور [«حیض» به معنای اسم عین و جامد بودن و «حیض» به معنای اسم معنا و معنای حدثی داشتن]، کدام یک مناسب‌تر است؟

همان‌طور که عرض شد، مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که «حیض» به معنای اسم عین و جامد است و اخذ اسم فاعل و امثال آن از «حیض» علی سبیل التأویل است، کما اینکه از کلماتی مثل «لبن» و «تمر» با اینکه اسم عین و جامدند، اسم فاعل «لبن» و «تامر» و مشابه آن، اخذ شده است و این منافاتی با جامد بودن «لبن» و «تمر» ندارد، پس کلمه «حیض» نیز جامد است، لکن علی سبیل التأویل، کلماتی از آن گرفته می‌شود و این توهّم را ایجاد می‌کند که کلمه «حیض» مشتق است و جامد نیست،

۱. همان، ص ۱۵۰.

۲. فخر الدین، طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۰۱.

در حالی که اخذ کلماتی، مثل «حاضت» و امثال آن از «حیض»، علی سبیل التأویل است و به جامد بودن آن خدشه‌ای وارد نمی‌کند و این کار در لغت عرب مرسوم است و منافاتی با اسم عین بودن ندارد.

مرحوم شیخ محمد تقی آملی (ره) در شرح خود بر عروه در رابطه با اینکه «حیض» اسم عین است یا اسم معناست چند احتمال را ذکر کرده است و فرموده است که محتمل است که گفته شود که «حیض» به معنای اول که اسم عین و جامد است، می‌باشد و محتمل است که «حیض» به معنای دوم که معنای حدثی و اشتقاق است، باشد و ممکن است که گفته شود که «حیض» نه به معنای اول است و نه به معنای دوم است مگر اینکه قرینه‌ای قائم شود که «حیض» به معنای اسم عین است یا به معنای حدثی و اسم معناست. البته ایشان فرموده است که مختار مرحوم صاحب جواهر (ره) معنای اول است که اسم عین و جامد است.

لکن مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که در بسیاری از روایات، «حیض» بر خود «دم» اطلاق شده است و لذا با معنای اسم عین و اسم ذات و جامد بودن «حیض» سازگاری دارد که در ذیل به این روایات اشاره می‌شود:

**روایت اول:** صحیحہ حفص بن بختری: عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ؛ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) امْرَأَةً فَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يَسْتَمِرُّ بِهَا الدَّمُ فَلَا تَذِرِي حَيْضٌ هُوَ أَوْ غَيْرُهُ، قَالَ: فَقَالَ لَهَا: «إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ حَارٌّ عَبِيطٌ أَسْوَدُ لَهُ دَفْعٌ وَحَرَارَةٌ وَدَمُ الْإِسْتِحَاضَةِ أَصْفَرُ بَارِدٌ فَإِذَا كَانَ لِلدَّمِ حَرَارَةٌ وَدَفْعٌ وَسَوَادٌ فَلْتَدْعِ الصَّلَاةَ» قَالَ: فَخَرَجْتُ وَهِيَ تَقُولُ وَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ امْرَأَةٌ مَا زَادَ عَلَى هَذَا<sup>۱</sup>.

حفص بختری گفته است که زنی بر امام صادق (ع) داخل شد و از آن حضرت (ع) در رابطه با زنی که خون به طور مستمر از او خارج می‌شود و نمی‌داند که حیض است یا غیر حیض است، سؤال کرد، امام صادق (ع) به او فرمود که خون حیض، گرم، تازه و سیاه است که با شدت خارج می‌شود و حرارت دارد و خون استحاضه زرد و سرد است، پس اگر آن خون، حرارت داشته باشد و با فشار خارج شود و سیاه باشد، باید نمازش را اعاده کند.

امام صادق (ع) فرموده است: «إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ...» و «حیض» را به «دم» اطلاق کرده است، پس «حیض» به معنای اسم عین و جامد است و معنای حدثی و اشتقاقی ندارد

نظر مختار در این رابطه این است که گاهی اتفاق می‌افتد که به قرائنی کلمه «حیض» به کار رفته است ولی اسم عین و معنای جامدی از آن اراده نشده است، بلکه ممکن است که اسم معنا از آن اراده شده باشد، لکن غالب این است که «حیض» در معنای اسم عین به کار می‌رود و روایاتی که مرحوم آیت الله خویی (ره) به آنها استناد کرده است نیز بر این دلالت دارند که «حیض» در معنای اسم عین به کار رفته است.

**روایت دوم:** عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ فِي حَدِيثٍ: «وَكُلُّ مَا رَأَتْ الْمَرْأَةُ فِي أَيَّامِ حَيْضِهَا مِنْ صُفْرَةٍ أَوْ حُمْرَةٍ فَهُوَ مِنَ الْحَيْضِ وَكُلُّ مَا رَأَتْهُ بَعْدَ أَيَّامِ حَيْضِهَا فَلَيْسَ مِنَ الْحَيْضِ»<sup>۲</sup>.

به کار رفتن کلمه «صُفْرَة» شاید به این خاطر باشد که غالباً رنگ خون حیض قرمز است، اما ممکن است که رنگ دیگری نیز داشته باشد.

تعبیر «فهو من الحيض» حاکی از این است که «حیض» در معنای اسم العینی به کار رفته است و معنای حدوثی و اسم معنایی از آن اراده نشده است.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الحيض، باب ۳، ص ۲۷۵، ح ۲.

۲. همان، باب ۴، ص ۲۷۹، ح ۳.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که ظاهر تعبیر «فهو من الحيض» حاکی از این است که کلمه «من» که در این تعبیر آمده است، برای جنس است یعنی جنس حیض مراد است و «من نشویه» نیست زیرا خون از حیض ناشی نمی شود پس، حیض به معنای اسم العینی می باشد.

روایت سوم: عَنْ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ مُقَرَّنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «سَأَلَ سَلْمَانَ عَلِيًّا (ع) عَنْ رِزْقِ الْوَلَدِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، فَقَالَ: "إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَبَسَ عَلَيْهِ الْحَيْضَةَ فَجَعَلَهَا رِزْقَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ"»<sup>۱</sup>.

«حیضه» بر خون اطلاق شده است و به معنای دم است و لذا جامد و به معنای اسم العینی است.

«الحمد لله رب العالمين»

---

۱. همان، باب ۳۰، ص ۳۳۳، ح ۱۳.